

زوایای پنهان بحران در قزاقستان



روزنامه خراسان یادداشت دیروز خود را به حوادث اخیر قزاقستان و ناآرامی‌های این کشور اختصاص داده و نوشته است:

اعتراضات مردمی در روز دواز اول به صورت مسالمت‌آمیز در جریان بود تا پای برخی جریانات سیاسی داخلی و البته سرویس‌های جاسوسی غربی در قزاقستان به این تحولات باز شد. معترضان علاوه بر اعتراضات در خصوص افزایش قیمت سوخت،به فساد دولتی و همچنین چنبره خانواده نظریابف بر قدرت در این کشور نیزاعتراض دارند.از سوی دیگر، غربی‌ها به خصوص آمریکا،همواره به دنبال حضور جدی و همپیمانی با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بوده‌اند. این منطقه از منظر ژئوپلیتیکسین‌ها به «هارتلند» یاد می‌شود و معتقدند که هر کس بتواند بر آن تسلط یابد، کنترل جهان را در دست خواهد داشت.از سوی دیگر، قزاقستان از آن جهت برای واشگتن مهم است که با پیگیری نظریابف، آنها فضای مهمی را از آسیای مرکزی از دست دادند.شاید کمتر رسانه‌ای در این روزها به این موضوع می‌پردازد که با مشارکت جدی قزاقستان بود که در سال۲۰۰۵ زمینه اخراج امریکاز آسیای مرکزی تا حد زیادی فراهم شد.همچنین در پی رسمی شدن سازمان همکاری شانگهای،قزقیزستان خواستار خروج امریکایی‌ها از «پایگاه هوایی کی ۲» شد.

همین موضوعات و البته تأثیرپذیری مستقیم روسیه و چین از هر گونه تحولات امنیتی و داخلی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز،سبب شده که غربی‌ها به خصوص امریکانسیب به تحولات این منطقه حساس شوند و به دنبال ایجاد آشوب دراین منطقه باشند.در همین حال، برخی زرمزه‌ها و گزارش‌ها از حضور تکفیری‌های آسیای مرکزی که در جنگ سوریه و عراق حضور داشته و پس از سرکوب به خانه بازگشته‌اند، در اغتشاشات قزاقستان شنیده می‌شود. در صورت صحت این موضوع، لزوم مقابله با تکفیری‌ها بسیار ضروری است تا جایی که اگر امروز با آنها مقابله نشود، فعالیت این تکفیری‌ها قابلیت سرتاپ به دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی و قطعاً آسیب‌پذیری ایران، روسیه و چین وجود دارد.

پیش شرط مواجهه با استراتژی هزار زخم دشمنان

پیش‌شرط مواجهه بااستراتژی هزار زخم دشمنان عنوان یادداشتی است که روزنامه رسالت در شماره دیروز خود به آن پرداخته است. یونسئده رسالت استراتژی هزار زخم را مبتنی بر جنگ ترکیبی تعریف کرده نوشته‌است:جنگ ترکیبی یا جنگ هیبریدی به معنای به‌کارگیری ترکیبی از قابلیت‌های نیروهای نظامی و غیرنظامی متعارف به شیوه‌ای پیچیده و هماهنگ‌شده است.جنگ ترکیبی شامل توان دیپلماسی، جنگ تبلیغاتی، حمایت از شورش‌های داخلی و محلی، جنگ اقتصادی و حملات سایبری نیز می‌شود.

«استراتژی هزار زخم» بر پایه «جنگ ترکیبی» تعریف می‌شود. مطابق این استراتژی، دشمنان تلاش می‌کنند تا در ابعاد و حوزه‌های مختلف، کشورهایی مستقل مانند جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار قرار دهند. در استراتژی هزار زخم، دشمنان توان یک کشور یا ساختار را در ابعاد گوناگون همچه فزای می‌کنند و میان اجزای این نبرد، نوعی هماهونی و هماهنگی ایجاد می‌کنند. به عبارت بهتر، در ظاهر دشمنان سعی دارند این‌گونه اتفاقا کنند که میان ابعاد گوناگون این نبرد ارتباطی وجود ندارد اما این موضوع به هیچ عنوان حقیقت ندارد. مهم‌ترین پیش شرط مهار و خنثی‌سازی استراتژی هزار زخم، رصد هوشمندانه جنگ ترکیبی دشمنان در ابعاد راهبردی و تاکتیکی می‌باشد. در این میان، باید میان «تویات» و «مغزپارات» با همان استراتژی‌ها و تاکتیک‌های دشمن در میدان جنگ هیبریدی با ایران تفکیک هوشمندانه قائل شد. به عبارت بهتر، باید ابعاد و روش‌های نبرد فعلی و حتی هر گونه نبرد بالقوه دشمنان با استناد به داده‌ها و مستندات آماری- تحلیلی مورد رصد و تحلیل قرار گیرد. در این خصوص، ما باید تحلیل واقع‌بینانه‌ای از گذشته، حال و آینده داشته باشیم.

استاد حکمرانی بدون ایده

روزنامه فرهیختگان در یادداشتی به مناسبت پنجمین سالگرد هاشمی‌فسنجانی نوشته است: عبور از دو گانه نفرت و عشق در تحلیل زیست مردمی که ۵۰ساله در بالاترین سطح سیاست حضور داشته است، کار ساده‌ای نیست، خصوصاً اگر این فرد اکبر هاشمی‌فسنجانی باشد. اما اگر بخواهیم به سیاق خود مرحوم هاشمی در سیاست پراگماتیسم باشیم و با عبور از هاشمی‌نوستالژیک،سیاست‌ورزی او را قبض و بسط دهیم برای امروزمان نسخه‌پیچی کنیم، راهی جز انتخاب چنینی استراتژی‌های سیاسی است. که در واقع به‌صورتاگر این فرد اکبر و چرخش‌ها و گردش‌ها آن هم در بالاترین سطح سیاست‌ورزی است، اینها چگونه باهم جمع می‌شوند؟ تا این مسئله حل نشود، نمی‌توان نقیاباً اثباتاً از نظر و عمل و کارنامه و اثر هاشمی برای ایران امروز استفاده‌ای کرد. فاصله عبور از خطبیه تند و تیز چپ‌گرایانه در حدی که برخی گوییند تا دل‌خاک و چکش زیر عمامه هاشمی پنهان شده است تا ترویج لیبریسیم دولتی فقط یک انتخابات ریاست‌جمهوری و مواجه‌شدن با واقعیت اجرا بود، هاشمی را ریل‌گذار توسعه تک‌ساحتی پس از جنگ می‌دانند، حرفی که خیلی بیرهاه هم نیست اما با کدام مینا؟ با کدام کار نظری؟

در اسناد و اقوال مربوط به دولت سازندگی و شخص مرحوم هاشمی هیچ نشانه‌ای از یک مطالعه منسجم و دغدغه‌مند در خصوص الگوی توسعه ناظر به ایران و بحث‌های نظری پیرامون آن وجود ندارد. هاشمی را تاسماًحاً می‌توان محمول اندیشه لیبریسیم دولتی نامید، البته نه از منظر حضور در یک اندیشه منسجم بلکه از زاویه یک سیاستمدار تجربی، اما شایسته‌تر آن است که او را مؤسس حکمرانی، بدون ایده حکمرانی نام نهاد.

تمرکز ایران بر کیفیات توافقی

روزنامه صبح‌نو سرقیمت‌دار دیروز خود را به مذاکرات وین و دست‌برآوردن ایران در این دور از مذاکرات اختصاص داده و نوشته است: روزی که دونالد ترامپ با غرور و سرمستی با هدف فشار به جمهوری اسلامی و بازگرداندن تحریم‌های یکطرفه از توافق هسته‌ای خارج شد، نمی‌دانست که ایران تابستان‌های داغ و زمستان‌های سرد را با پایداری و انسجام ملی پشت سر می‌گذارد و حالا امروز دولت پس از او، برای باز گشت به برجام مجبور به گفت‌وگو و رایزنی غیرمستقیم در وین است. حالا چند دور از گفت‌وگوها برای احیای برجام می‌گذرد و روز جمعه همزمان با نشست گفت‌وگوها ورود طرفین به برخی مسائلی جدیدی اختلاقی اولین نشست کمیته رفع تحریم‌ها برگزار شد. حال همه نگاه‌ها به وین مثبت شده و حتی لحن اظهارنظر مقامات غربی نیز تغییر کرده است. امروز آمریکا که نتیجه خروج ترامپ از برجام را ناکام دیده است، می‌داند تحریم‌ها اثرپذیری خود را از دست داده و ایران به سرعت اقدام‌های خود را به سمت انرژی هسته‌ای طی می‌کند. حال به ادعای ۵۰۱ زمان از دست‌رفته و تعلق در توافق راه‌بر ضرر خود می‌بینند. هر چند افزایش سرعت مذاکرات مستلزم اتخاذ رویکردی جدی‌تر از سوی طرف‌های مقابل است اما ایران علاوه بر شناخت ابعاد و مشخصات تحریم‌ها و بهره‌گیری از تجربیات چهار دهه تجربه به مقاومت مقابل تحریم‌های ظالمانه و عبور موفقیت‌آمیز از این سال‌های سخت، با شناخت دقیق ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی و تغییر در راهبرد منطقه‌ای و همسایگی، اتکای خود را به غرب و توافق هسته‌ای کمتر از قبل کرده و ایجاد اضاطر زمامی، هیبت استراتژی را برای نادیده گرفتن نکات ضروری و حائز اهمیت توافقی که همان رفع مؤثر تحریم‌ها، راستی‌ازمبای و ارائه تضمین‌های لازم است، تحت فشار قرار نخواهد داد و در برابر زیاده‌خواهی‌ها در گفت‌وگوها کوتاه نخواهد آمد.

دوشنبه ۲۰ دی ۱۴۰۰ | ۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳

گزارش یک

زینب شریعتی

سرورس سیاسی ۸۸۴۹۸۴۳۳

ایران دوستی با پول سعودی؟!

عضو جدا شده ایران اینترنشنال از خط خطرناک تلویزیون آل سعود می‌گوید



ایران اینترنشنال رسانه حامی تروریست‌های ضد ایرانی است که هزینه‌اش را هم سعودی‌ها می‌دهند. کارشکنی‌ها و دشمنی سعودی‌ها با ایران هم که اظهر من الشمس است، حلال چه کسی در ایران دوست دارد مخاطب و بیننده شبکه‌های باشد که روی چنان و مال مردم ایران بنا شده است؟

ایران اینترنشنال از همان آغاز که آمد، یک کپی از خودش ساخته بود، بسیار آشکار کرد. به رزه نظامی ایران در اهواز توسط این شبکه، این آغاز پایان من در ایران اینترنشنال بود.»
گروه‌های تروریستی منافقین را پوشش می‌کنند، مثل پوشش مجمع سالانه مجاهدین خلق پوشش حمله طرفداران آقای شیرازی یا قمه به سفارت ایران و پوشش حمله گروهک الاحواز به به رزه نظامی ایران در اهواز توسط این شبکه، این آغاز پایان من در ایران اینترنشنال بود.»

ایران اینترنشنال اما از ابتدا هویت مشکوکی داشت

ایران اینترنشنال از همان آغاز که آمد، یک کپی از خودش ساخته بود، بسیار آشکار کرد. به شک و شبهه‌ای در این میان نبوده باشد.

ایران اینترنشنال همزمان با انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ در ایران، فعالیت خود را در لندن آغاز کرد و تلاشش را بر این گذاشت که رسانه‌ای حرفه‌ای، دغدغه‌مند علیه جمهوری اسلامی، ایران‌دوست و مستقل به نظر برسد، با این حال گذر زمان نشان داد تغذیه از منابع مالی سعودی چه بلایی بر سر وطن‌دوستی یک ایرانی می‌تواند بیاورد. گرچه ایرانی بودن فقط یک عنوان هویتی ولی در واقع تهی باشد. گذر زمان نشان داد هر کس در ایران به دنیا آمده و به زبان فارسی صحبت می‌کند، ایرانی نیست.

خبرهای مغرضانه ایران اینترنشنال از همان ابتدا روشن بود؛ دامن زدن به شلوغی و آشوب، دوقطبی کردن جامعه، اخبار دروغ، تخریب حسد‌های سردبیری ما هم تحریرکنندگان سیاسی است. این شبکه‌ها فعالیت‌های این شبکه

گزارش ۲

دشمن از ایجاد تنش علمی و تنش خبگانی به ترور نخبگان رسید

زمنه‌های مختلف بودیم، عباسی افزود: ما دوره‌هایی از تثبیت را با وجود تنش‌هایی که دشمنان با ابزارهای مختلف به وجود آوردند، داشتیم.

چنانچه در اوایل انقلاب و دوره‌های اولیه استخباراتی در صدد تثبیت سیاسی بودیم که با ترورهای ناجوانمردانه از سوی منافقین مواجه شدیم، دوره‌ای نیز به دنبال تثبیت جغرافیایی، سرزمینی و جلوگیری از تجزیه شدن بودیم که جنگ تحمیلی را به راه انداختند و بعد از آن هم که در دورانی وارد تثبیت علمی – فناوری در کشور شدیم و در این برهه از زمان با ترورهای دانشمندانمواجه شدیم. در هر کدام از دوره‌های تثبیت با ابزارهای ترور مختلف دشمن مواجه بوده‌ام.

نماینده مجلس یازدهم به اقدامات دشمن در زمینه ایجاد تنش‌هایی برای نخبگان اشاره کرد و گفت: درست زمانی که می‌خواستیم علم و فناوری را بنهاده کنیم، دشمن ابزارهای مختلفی را برای جلوگیری از این پیشرفت به کار گرفت. از جمله تحریم، ندادن بورس تحصیلی و عدم پذیرش دانشجوی و جلوگیری از دادن ویزا مواجه شدیم. بعد از آن توانستیم خودمان افرادی را در این عرصه تقویت کنیم و در داخل کشور به درجات بالای علمی و رشد برسیم.

رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی تصریح کرد: بعد از ناکام ماندن دشمنان در زمینه ایجاد تنش علمی آنها در صدد ایجاد رعبی در جامعه علمی بودند. چنانچه تلاش می‌کردند افراد در پروژه‌های استراتژیک و قدرت‌آفرین وارد نشوند و متخصصان و متفکران نیز در عرصه علم و فناوری با مراکز مربوطه آن همکاری نکنند. آنها گمان می‌کنند با ایجاد وحشت در جامعه علمی رشد و پیشرفت در این زمینه متوقف خواهد شد.

در همین زمینه، فریدون عباسی، رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی و نماینده فعلی مجلس که خود نیز مورد سوءقصد و ترور ناچارم دشمنان قرار گرفته بود، در گفت‌وگو با میزان گفت: تا این‌دیال پیشرفت‌هایی که در حوزه علمی و فنی در کشور به وجود آمد و با توجه به اینکه دانش‌جویان نخبه زیادی از دانشگاه‌های معتبر کشور فارغ‌التحصیل شدند، شاهد تعمیق علمی بسیاری در



سیاست منجی‌سازی از امریکایی‌ها، اخبار دروغ برای تشویش اذهان عمومی در ایام اوج‌گیری کرونا و حمله به اعتقادات دینی مردم از جمله دیگر رویکردهای محوری این شبکه است.

پوشش همایش تجزیه‌طلبان
پوشش ویژه‌هایمایشی که تحت عنوان «پنده‌اقوام ایران» شکل گرفته بود و هدف آن تجزیه‌طلبی و سدکنه کردن این بود هم انتقادات زیادی را به این شبکه وارد کرد. این رویکرد رسانه‌ای نشان داد آنها دغدغه ایران یکپارچه را ندارند و مخالفت با جمهوری اسلامی بهانه‌شان است تا کل ایران را هدف قرار دهند.

سیاست منجی‌سازی از امریکایی‌ها، اخبار دروغ برای تشویش اذهان عمومی در ایام اوج‌گیری کرونا و حمله به اعتقادات دینی مردم از جمله دیگر رویکردهای محوری این شبکه است.

پشت پرده‌هایی که عیان شده است
شهریور امسال، پایگاه خبری الخنادق نوشت: «عربستان سعودی رفتارهای خصمانه خود را تیسیر نمی‌دهد و اگر نتواند سلاح در برابر کشوری پایسند با استفاده از دلارهای نفتی خود و خریدن مؤسسات رسانه‌ای و روزنامه‌نگاران کمپین‌های رسانه‌ای علیه آن کشور رااندازی می‌کند. در همین راستا از آنجا که عربستان هرگز نتوانسته درورو با جمهوری اسلامی ایران مواجه شود، همیشه به منظور مقابله با این کشور از عناصری همچون گروه‌های تروریستی و سرویس‌های اطلاعاتی استفاده کرده است. تأسیس یک شبکه

تلویزیونی فارسی‌زبان به نام «ایران اینترنشنال» با هزینه‌های سعودی نیز در چارچوب همین اهداف تعیین شده است. عربستان از سال ۲۰۱۷ تأمین بودجه مالی و مدیریت این شبکه را همزمان با دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران بر عهده گرفت.»

گاردین چند سال پیش در گزارش خود درباره این شبکه نوشت: «شبکه تلویزیونی فارسی‌زبان «ایران اینترنشنال» که در بریتانیا مستقر است، از طریق یک کمپانی خارجی حمایت مالی می‌شود و مدتی از ایران هم لایند آن را متعاشا می‌کردند

و دیدند که آنتن زنده اینترنشنال در اختیار تروریست‌هایی است که دست‌شان به خون ۱۶هزار ایرانی اوده سال است، بارها مردم و مسئولان ایرانی را ترور کرده‌اند و سال ۶۷ برای فتح تهران! به ایران حمله نظامی کرده‌اند.

حمایت از تروریست‌های «بژاک»

همان ایام، عوامل گروهک تروریستی بژاک به یک پایگاه بسیج روستایی در مریون حمله کردند و ۱۱ سبجی را که در واهل سنست بودند، به شهادت رساندند. ایران اینترنشنال امکانش را به یکی از اعضای گروهک بژاک اختصاص داد تا او بتواند دلایلشان را برای این حمله تروریستی شرح دهد.

تربییون دادن به تروریست‌های الاحواز به پس از حمله تروریستی گروهک الاحواز به ایران اینترنشنال در اقدامی غیرحرفه‌ای که مصداق تبلیغ تروریسم است، تربییون زنده‌اش را در اختیار تروریست‌هایی قرار داد که چند ساعت قبل چندین زن و کودک بی‌گناه حاضر در مراسم راه هم به رگبار بسته بودند. هنوز یکبره‌ای خونین مردم ایران به طور کامل از کف خیابان جمع نشده بود که آنتن این شبکه در اختیار سخنگوی گروهک تروریستی عامل حادثه قرار گرفت و او از طریق این شبکه، مسئولیت این حادثه را پذیرفت!

یادداشت‌های ویژه

ابوالفضل صفری

منافع آشوب قزاقستان برای امریکا

«وو. فریم به فریم این ویدئوشیبه آن چیزی است که اواخر ژانویه ۲۰۱۴ در اوکراین دیده بودم» این توصیف «الکساندر کلار کسون» استاد کالج پادشاهی لندن از ویدئوهای آشوب‌های روز پنجم ژانویه قزاقستان و تسخیر مراکز اداری و امنیتی این کشور است.

روند آشوبی که کلار کسون با اشتیاق آن را به روند حوادث یورومیدان سال ۲۰۱۴ اوکراین تشبیه می‌نماید، روندی قابل تأمل است: افزایش قیمت سوخت LPG و اعتراضات مردمی علیه این اقدام دولت، بی‌توجهی دولت به اعتراضات، گسترش اعتراضات و ورود سریع گروه‌های سازمان یافته ۴۰ تا ۵۰ نفری به صحنه برای آشوب از روز چهارم ژانویه، عقب‌نشینی دولت با استعفاى نخست‌وزیر از اصلاح قیمت سوخت در روز پنجم ژانویه، بی‌توجهی معترضان به اقدامات دولت و شیفت کامل اعتراضات از رسانه‌هایی مانند رادیو رپوبلی آزاد از آشوب‌ها، توزیع گسترده سلاح میان معترضان در کنار مسلح شدن گروه‌های آشوبگر و حملات مسلحانه آنها به مراکز پلیسی، امنیتی، اداری، شبکه‌های تلویزیونی و تأسیسات مهم و حیاتی شهرها، حمله و اشغال فرودگاه آلمانی همزمان با غارت مراکز خرید و تجاری و بانک‌ها توسط سارقان و گروه‌های مسلح.

نکته قابل تأمل دیگر در خصوص آشوب‌های قزاقستان، وجود یک جنبش بی‌سر‌مشکل از گروه‌های مختلف و اپوزیسیون است که هر یک خواسته‌هایی متفاوت داشته و البته هر کدام ادعای رهبری قیام را نیز دارند! در برخی از این گروه‌ها تغییر ساختار سیاسی کشور را طلب می‌نمایند، برخی دیگر کاهش قیمت‌ها و برخی دیگر قانونی شدن تعدد زوجین را!

در ساعات پایانی روز پنجم ژانویه، رئیس جمهور قزاقستان، آشوب مسلحانه را حمله تروریست‌ها نامیده، از شدت عمل در پاسخگویی به آشوبگران گفته، از CSTO در خواست کمک نموده و CSTO نیز با قبول این درخواست، نیروهای حافظ صلح را جهت حفاظت از تأسیسات حیاتی قزاقستان روانه این کشور می‌نماید. با این اقدامات و همچنین شدت بسیار بالای خشونت و غارت‌های رخ داده و جنایاتی مانند سر

بریدن نیروهای پلیس، روند درگیری در شهرها معکوس شده و در بسیاری از شهرها، معترضان از آشوبگران جدا می‌شوند. بر این اساس می‌توان گام نخست شبکه آشوب در قزاقستان را پایان یافته تلقی نمود اما با این حال به دلیل تشدید بحران‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی و قزاقستان از یک سو و از سوی دیگر جایگاه ویژه ژئوپلیتیک این کشور، وضعیت آشنوتاک در این کشور نادم یافته و این وضعیت، ثبات جدی امنیتی، سیاسی و اقتصادی برای روسیه، چین و منطقه خواهد داشت؛ تبعی‌ات می‌تواند، برای آمریکا، جهت افزایش بارهای مالی مقابل روسیه در کوتاه مدت، تصور عمومی کارشناسان غربی این است که آشوب در قزاقستان، می‌تواند در مذاکرات پیش‌رو میان روسیه- امریکا و ناتو در موضوع اوکراین و مسئله ضمانت‌های امنیتی استراتژیک مورد نظر روس،ها نقش مهمی ایفا نماید.

مشغول‌سازی روسیه در مرزهای جنوبی می‌تواند به مثابه یک اهرم فشار در مقابل استقرار نظامی روس‌ها در مرز با اوکراین مورد بهره‌برداری امریکا قرار بگیرد. در واقع آشوب در قزاقستان و تداوم بحران در آن، برگ برنده‌ای برای امریکا، جهت افزایش بارهای مالی مقابل روسیه در مذاکرات روزهای آینده با این کشور است. واکنش روسیه به آشوب‌های قزاقستان با ارسال نیروهای حافظ صلح CSTO (و عدم استفاده از نیروهای واکنش سریع CSTO با اقدامات نظامی دیگر) نشان داد که روسیه از «سوربرایز» به‌کاررفته از آنها بی‌خبر نیست.

در میان مدت، ایجاد کانون‌های بحران و آشوب در منطقه جنوب شرق قزاقستان که در مجاورت جغرافیایی با چین و ازبکستان است، می‌تواند به منبعی برای تولید امواج آشوب و تنش در منطقه تبدیل شود و بر مبنای این روش، چین و برخی از کشورهای غربی مانند ایران را ستا و «ماکسیمیلیان هس» تحلیلگر مؤسسه پژوهش سیاست خارجی امریکا می‌نویسد: «قزاقستان احتمالاً اولین قطعه از دومینوی رویدادهای قابل توجه و بالقوه انقلابی است. همچنین با توجه به نقش و اهمیت قزاقستان در اتصال کریدورهای انرژی و حمل‌ونقل بنابر راهبرشیمن نوین، هرگونه تاملی در این کشور به مثابه اسنادا این کریدور هاست. در بلندمدت، آشوب قزاقستان را می‌توان ادامه جنگ اخیر قره‌باغ و استراتژی ایجاد کمربند انرژی تورانی دانست. مهم‌ترین هدف این استراتژی، قطع ارتباطات و تنش در تداوم این بحرانی می‌باشد. در این راستا حضور گرگ‌های خاکستری در آشوب‌های روزهای اخیر قزاقستان و بازداشت برخی از اینفلوئنسرهای قزاق با گرایش‌های اداکنال پان ترکیستی را که مسلح بوده و وظیفه هدایت آشوب‌های خیابانی را بر عهده داشته‌اند، می‌توان شهادی در تداوم این استراتژی دانست. اتحاد میان چین و روسیه که در غرب از آن به اتحاد خرس و ازدها تعبیر می‌شود، یک تهدید کلان امنیتی برای غرب است. همچنین در جهان معاصر، نظم‌ها و ترتیبات منطقه‌ای، شکل‌دهنده نظم جهانی هستند، بنابراین غرب درصدد ایجاد اختلال در ارتباط و اتصال میان چین و روسیه از یک سو و از سوی دیگر برهم‌زدن نظم موجود منطقه‌ای در آسیای مرکزی است که از دید غرب، نظم موجود، تأمین‌کننده منافع روسیه است.

آشوب‌های این روزهای قزاقستان، تداوم طراحی و اقدامات امریکا در قالب رویدادهایی مانند جنگ داخلی اتیوپی و آشوب‌های دسامبر ۲۰۲۱ جزایر سلیمان علیه چین و روسیه است. امریکا همچنان از ابزار انقلاب‌های رنگی و جنگ‌های نامتعارف برای تأمین منافعتش و شکل گسترده‌ای بهره می‌برد و قزاقستان آخرین مورد نخواهد بود.

گزارش ویژه خیر

مشاور فرمانده کل سپاه:

دشمنان دست از پا خطا کنند پاسخی کوبنده در یافت می‌کنند

دشمنان دست از پا خطا کنند، پاسخی کوبنده در یافت می‌کنند، آنها تنها یک صدم قدرت دفاعی ایران را در روزمیان‌های اخیر دیدند. سردار خسرو عروج، مشاور فرمانده کل سپاه در گفت‌وگو با میزان گفت: رزمایش پیامبر اعظم (ص) سپاه، جلوه‌ای از قدرت دفاعی و امنیتی کشور است و از طرفی نقش مهم سپاه پاسداران در ایجاد بازدارندگی برای جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات و توطئه‌های دشمن و مردودانش در منطقه را نشان می‌دهد.

مشاور فرمانده کل سپاه با تأکید بر اینکه شخصیت معنوی، ملی و دفاعی نیروهای مسلح به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ماهیت الهی و ملکتوی داره، تصریح کرد: نیروهای مسلح، طی چهار دهه اخیر نشان دادند در خط مقدم ولایتمداری حضور دارند.

عروج با اشاره به پیام قدرت دفاعی ایران به همسایگان و دوستان در منطقه و جهان، قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران را صلح‌آمیز دانست و خطاب به همسایگان در منطقه و غرب آسیا اضافه کرد: قدرت دفاعی ایران برای اوستاسرمانده به همسایگان نیست، بلکه امنیت‌آفرین و در جهت تقویت امنیت منطقه خواهد بود.

مشاور فرمانده کل سپاه پیام بیان اقتدار دفاعی و امنیتی ایران خطاب به دشمنان تأکید کرد: دست از پا خطا کنید، پاسخی کوبنده دریافت می‌کنید. عروج با اشاره به ساخت محصولات دفاعی کاملاً ایرانی در نیروهای مسلح با کیفیت ظرفیت‌یها و تخصص داخلی، بایان اینکه چیزی که دشمن از توانمندی دفاعی ایران می‌بیند، کل واقعیت صنعت دفاعی ایران نیست، اضافه کرد: دشمن در رزمایش‌های نیروهای مسلح، تنها یک صدم از قدرت دفاعی ایران را دیده است.